

۶- آشنائی با اوضاع کلی اقتصادی - بازرگانی یوگسلاوی (۲)

ویژگیهای اصلی بودجه دولت

.....

مالیه عمومی در یوگسلاوی مشابیه سایر کشورهای کمونیستی که کاملاً متمرکز و کنترل شده است، نمیباشد. بلکه بیشتر به نظامهای غربی شباهت دارد. بدین صورت که با محدود شدن نقش مرکزی دولتهای فدرال و محلی و به موازات گرایش به اقتصاد بازار، بدنبال اصلاحات سالهای ۱۹۶۵، ۱۹۷۱ و قانون اساسی سال ۱۹۷۴، از اهمیت مالیه عمومی کاسته شده است. در حال حاضر مسئولیت بخش عمومی تنها به سرمایه گذاری در تعداد محدودی از طرحهای ملی خلاصه میگردد، بطوریکه حجم عمده ای از منابع سرمایه گذاری توسط بانکهای تجاری غیردولتی تامین میشود. در واقع با اجرا در آمدن اصول خودگردانی، بانکها و صندوقهای سرمایه گذاری دولتی بتدریج منحل شدند.

بودجه بخش عمومی یوگسلاوی تشکیل شده است از:

(۱) بودجه فدرال، بودجه جمهوریها و جماعات محلی، (۲) صندوقهای بودجه فوق العاده و سیستم تامین اجتماعی. صندوقهای بودجه فوق العاده عمدتاً جهت تامین مالی سرمایه گذاریهای زیربنایی در نواحی کمتر توسعه یافته این کشور (نظیر ایالت خودمختار کوسوو) مورد استفاده قرار میگیرند. در سال ۱۹۷۶ بدنبال اجرای سیاستهای عدم تمرکز، این صندوقها بطور کامل به جمهوریها واگذار گردیدند.

بودجه فدرال عمدتاً " صرف هزینه های دفاعی و اداری میگردد

(۱): Local Communities.

(۲): Extra-budgetary Funds.

وبخشی از آن‌هم به ارگان‌های سیاسی - اجتماعی در سطح جمهوریها و ایالات خود مختار اختصاص مییابد. مالیات عمومی فروش^(۱) که در گذشته منبع عمده درآمد فدرال را تشکیل میداد در حال حاضر توسط جمهوریها دریافت و جمع آوری میگردد. از دیگر منابع تامین درآمد (Revenue) بودجه فدرال، باقیمانده حقوق گمرکی و کمکهای یکسان جمهوریها را میتوان نام برد، که در واقع منابعی هستند جهت تامین مخارج اضافی بودجه فدرال. در حقیقت طی سالهای اخیر، به موازات کاهش یافتن اهمیت بودجه فدرال، نقش و اهمیت بودجه جمهوریها افزایش پیدا کرده است. قابل ذکر است که جمهوریها هم به لحاظ کنترل دولتهای محلی، در خصوص هزینه کسردن بودجه‌های خود، آزادی عملی محدودی برخوردار میباشند.

(۲) "در یوگسلاوی سازمانی بنام "سرویس حسابداری اجتماعی"
وجود دارد که ناظر بر عملیات مالی و عمومی کشور میباشد و در سال‌های اخیر از اهمیت زیادی برخوردار گردیده است. این سازمان قدرت اجرایی ندارد، لکن نقطه نظرات آن، در تصمیم‌گیریهای مالی و اعتباری نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا مینماید. این سازمان بعنوان واسطه‌ای (ویا فیلتری) میان بانکها و بنگاهها، ناظر بر معاملات مالی و کلیه پرداخت‌هایی که به بنگاهها صورت میگیرد قرار دارد، گوا اینکه قادر به تأمین وجوهی برای آنها (بنگاهها) نمیشود.

اخیراً "به موازات گسترش نقش این سازمان، قدرت نظارت و کنترل بانک ملی (مرکزی) یوگسلاوی نیز (البته بطور غیر رسمی) افزایش قابل توجهی یافته است.

(۱): Turnover Tax

مالیات بر معاملات کالاها و خدمات در کلیه سطوح تولید و توزیع .

(۲): Social Accountancy Service.

کل درآمدهای بخش عمومی یوگسلاوی شامل حسابهای بودجه دولت فدرال و دولت‌جمهوریها و ایالات خودمختار در سال ۱۹۸۴، بالغ بر ۱۹۸۱/۱ میلیارد دینار بوده است که بخش قابل توجهی از آن به میزان ۱۰۵۴/۶ میلیارد دینار (۵۳/۳ درصد) به مالیاتهای مستقیم تعلق داشته است. مالیاتهای مستقیم شامل مالیات بر درآمد و سود شرکتها (enterprise) و اشخاص، کمکهای تامین اجتماعی، حقوق کارکنان و مالیات بر دارایی میباشد.

سایر درآمدهای دولت در آن سال را مالیاتهای غیرمستقیم (شامل مالیات بر کالاها و خدمات و مالیات بر تجارت و معاملات بین‌المللی) به میزان ۶۶۸/۷ میلیارد دینار (۳۳/۷ درصد) از کل درآمدها و سایر مالیاتها و درآمدهای غیرمالیاتی بمیزان ۲۵۷/۸ میلیارد دینار (۱۳ درصد)، تشکیل میداده است.

از اوایل دهه ۱۹۸۰ مصارف بخش عمومی (هزینه‌ها) به عنوان ابزار سیاستهای مالی به لحاظ انطباق با بخشی از برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول (برنامه‌های ایجاد ثبات) (۱)، با محدودیتهایی مواجه بوده است. در نتیجه سهم هزینه‌های بخش عمومی یوگسلاوی (شامل هزینه‌های دولت فدرال، جمهوریها و ایالات خودمختار) در سال ۱۹۸۴ بالغ بر ۱۹۶۲/۴ میلیارد دینار رسیده است که بخش عمده‌ای از آن را هزینه‌های دفاعی و اداری بمیزان ۴۳۲/۷ میلیارد دینار (۲۲ درصد) تشکیل میداده است.

(۱): Stabilisation Programme.

(۱) جدول زیر حسابهای بخش عمومی (فدرال، جمهوریها و ایالات خودمختار) را طی دوره ۸۴ - ۱۹۷۹ نشان میدهد.

جدول شماره (۳) - بودجه بخش عمومی در یوگسلاوی ۸۴-۱۹۷۹ (میلیاردها ردینا)

۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	
						درآمدها
۱۰۵۴/۶	۷۲۹/۹	۵۷۵/۷	۴۵۸/۶	۳۵۱/۴	۲۷۹/۶	مالیاتهای مستقیم
۶۶۸/۷	۴۵۵/۷	۳۲۶/۵	۲۷۲/۹	۱۹۰	۱۵۷/۷	مالیاتهای غیر مستقیم
۲۵۷/۸	۱۴۷/۷	۹۰/۶	۶۶/۳	۴۶/۱	۳۳/۴	سایر مالیاتها و درآمدهای غیر مالیاتی
۱۹۸۱/۱	۱۳۳۳/۳	۹۹۲/۸	۷۹۷/۸	۵۸۷/۶	۴۷۰/۷	جمع
						هزینهها
۴۳۲/۷	۳۰۹/۱	۲۳۸/۳	۱۹۰/۸	۱۴۱/۲	۱۰۳/۸	دفاع ملی و اداری
۲۳۸/۶	۱۶۸/۱	۱۳۲/۶	۱۱۰/۸	۸۲/۲	۶۷/۵	آموزش و پرورش
۷۶۵/۳	۵۲۲/۲	۳۸۰/۸	۲۸۶/۶	۲۲۰/۶	۱۷۸/۶	تامین اجتماعی و رفاه
۲۶۲/۲	۱۴۵/۵	۸۴	۶۶	۵۳/۱	۴۲/۲	مداخله در اقتصاد
۲۶۳/۶	۱۷۴/۵	۱۳۹/۵	۱۳۰	۱۰۱/۲	۷۷/۷	سایر هزینهها (۲)
۱۹۶۲/۴	۱۳۱۹/۴	۹۷۵/۲	۷۸۴/۳	۵۹۸/۳	۴۶۹/۸	جمع
۱۸/۷	۱۳/۹	۱۷/۶	۱۳/۵	-۱۰/۷	۰/۹	مازاد یا کسری بودجه
۳۱/۵	۲۹/۵	۳۰/۹	۳۲/۵	۳۴/۷	۳۶/۳	هزینه بخش عمومی بعنوان درصدی از G S P

MAخذ: EIU, Country Profile-Yugoslavia- 1986-87, P.22.

- (۱) با استثنای وجوهی که برای توسعه نواحی کمتر توسعه یافته منظور میگردد، همچنین شامل خالص انتقالات بین واحدهای بخش عمومی.
- (۲) شامل هزینههای مسکن، سرمایه‌گذاری و سوبسیدهای مصرفی.

حجم و ترکیب ذخایر ارزی و غیرارزی

کل ذخایر ارزی و غیرارزی (شامل طلا) یوگسلاوی تا پایان سال ۱۹۸۵ بالغ بر ۱۰۹۵ میلیون دلار بوده است. قابل ذکر است که این کشور در آن سال، از هیچ گونه ذخایر غیرارزی تحت عنوان "سهمیه در صندوق بین المللی پول" و نیز حق برداشت مخصوص (S D R) برخوردار نبوده است. جدول زیر کل ذخایر ارزی و غیرارزی یوگسلاوی را طی چند سال متوالی نشان میدهد.

جدول شماره (۴) - ذخایر ارزی و غیرارزی یوگسلاوی، ۸۵ - ۱۹۷۹

(میلیون دلار)

۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	
۱۰۹۵	۱۱۵۸	۹۷۶	۷۷۵	۱۵۹۷	۱۳۸۴	۱۲۵۷	کل ذخایر ارزی و غیرارزی
							شامل :
-	-	-	-	۸۳	۱۳	۵۴	حق برداشت مخصوص
-	-	۵۵	۴	-	-	-	سهمیه در IMF
۱۰۹۵	۱۱۵۸	۹۲۱	۷۷۲	۱۵۱۴	۱۳۷۱	۱۲۰۳	ارز خارجی
۴۵۷	۴۶۶	۵۴۱	۵۹۶	۵۸۵	۸۴۶	۳۳۱	طلا
۱۸۶۴	۱۸۶۱	۱۸۶۱	۱۸۵۹	۱۸۵۶	۱۸۵۵	۱۷۲۱	طلا** (میلیون تریاوسم)
-۱۱۱۷۴	-۱۰۴۹۹	-۱۰۲۱۸	-۹۳۵۶	-۸۹۸۸	-۸۷۳۸	-۵۸۶۰	خالص داراییهای خارجی

ماخذ: EIU , Country Profile - Yugoslavia , 1986-87 , P. 32.

* : Reserve Position in IMF.

** : Troy Ounce = گرم ۳۱/۱ .

حجم کمکها و وامهای دریافتی خارجی

بدهیهای خارجی

کل منابع خارجی که در توسعه اقتصادی یوگسلاوی بین سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۵ مورد استفاده قرار گرفته بود، معادل ۲ میلیارد دلار کسری در حسابهای جاری این کشور بوجود آورد. ۲۲۳/۹۰ میلیون دلار از کسری فوق از طریق گرامتهای جنگی و کمکهای خارجی، ۷۷۰/۵۰ میلیون دلار آن توسط وامهای خارجی و مابقی آن نیز از طریق ذخایر ارزی تامین شده است.

تا سال ۱۹۸۱ مجموع بدهیهای خارجی یوگسلاوی (برحسب ارزشهای قابل تبدیل یا معتبر) ^(۱) به ۱۹ میلیارد دلار بالغ گردیده بود (شامل ۲/۹ میلیارد دلار بدهیهای کوتاه مدت). با شروع سال ۱۹۸۳ و انجام اقداماتی در خصوص کاهش کسری حساب سرمایه، سطح قروض خارجی ثبات بیشتری پیدا کرد، بطوریکه تا پایان سال ۱۹۸۵ کل بدهیهای خارجی این کشور به ۱۸/۸ میلیارد دلار رسید. علیرغم این کاهش در کل بدهیهای خارجی، هزینه پرداخت اصل و فرع بدهیهای یوگسلاوی (Debt Service) طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ همچنان افزایش داشته، به نحوی که این هزینهها از ۳/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۴/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ بالغ گردیده است. قابل ذکر است که این میزان هزینه پرداخت اصل و فرع بدهی، معادل ۴۳ درصد کل دریافتیهای خارجی یوگسلاوی در سال مذکور بوده است. انتظار میرود که این هزینهها به لحاظ سررسید بدهیهای معوقه همچنان سیری صعودی داشته باشد. بازپرداخت بدهیهای میان مدت و بلندمدت یوگسلاوی در سال ۱۹۸۶ به ۳/۱ میلیارد دلار بالغ گردید که البته پیشبینی میشود این میزان در سال ۱۹۸۷ اندکی کاهش یابد.

(۱): Hard or Convertible Currency.

با توجه به سیاست اعلام شده از سوی دولت یوگسلاوی مبنی بر پرداخت بهره قروض بین ۱/۶ تا ۱/۷ میلیارد دلار در سال، انتظار می رود که کل هزینه پرداخت اصل و فرع بدهی این کشور به ۵ میلیارد دلار بالغ گردد. از سوی دیگر با رشد مناسبی که در صادرات پیش بینی شده است، نسبت بین اصل و فرع بدهی به ۴۰ تا ۴۵ درصد خواهد رسید. دولت یوگسلاوی به منظور کاهش قروض خود بر حسب ارزهای قابل تبدیل، طرحی را در نظر گرفته است که در خلال سالهای ۹۰-۱۹۸۶ سطح این بدهیها را به ۳ میلیارد دلار برساند، البته با توجه به پایین بودن رشد تولید ناخالص اجتماعی این کشور، دستیابی به چنین سطحی در قروض خارجی امر غیرممکنی بنظر می آید و از طرفی چنین طرحی قادر به حل مشکل بیکاری این کشور نخواهد بود.

جدول زیر ترکیب بدهیهای خارجی یوگسلاوی را طی نیمه اول دهه

۱۹۸۰ نشان میدهد.

جدول شماره (۵) - ترکیب بدهیهای خارجی یوگسلاوی

میلیون دلار

۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	
۲۰۱۹۱	۲۰۵۰۱	۲۰۲۶۰	۲۰۱۶۸	۱۸۴۹۵	۱۴۹۵۲	کل بدهیها (۱)
۱۱۳۲۳	۱۰۶۱۴	۸۸۵۵	۷۸۶۰	۷۲۰۷	۵۵۱۴	اعتبارات مالی و متوسط سبده های ارزی خارجی
۷۸۲۶	۸۷۴۶	۹۵۹۴	۱۰۶۷۴	۹۸۵۶	۸۷۵۶	واردات کالا در چارچوب اعتبارات
۱۰۴۲	۱۱۴۱	۱۸۱۱	۱۶۲۳	۱۲۹۵	۶۴۹	اعتبارات بانکی کوتاه مدت
-	-	-	۱۱	۳۷	۳۳	سایر بدهیها

(۱) بر حسب ارزهای قابل تبدیل و ارزهای غیر قابل تبدیل از کشورهای اروپای شرقی

مأخذ: Statistical Pocket-Book of Yugoslavia, 1986, P.109.

تصویب قانون اساسی جمهوری سوسیالیستی فدرال یوگسلاوی (مصوب سال ۱۹۷۴) و بویژه تصویب قانون اتحادیه کارگری^(۱) (که از آن بعنوان قانون اساسی اقتصاد یوگسلاوی یاد میشود)، ایجاب میکرده که سایر قوانین و مقررات نیز در چهارچوب و برطبق قوانین اساسی و پایه ای فوق الذکر تهیه و تدوین گردند. از این جمله است قانون تجارت خارجی و عملیات ارزی که در واقع دربرگیرنده روابط اقتصادی یوگسلاوی با سایر کشورهای جهان میباشد. متعاقب تصویب این قانون، قوانین دیگری نظیر قانون عملیات ارزی و روابط اعتباری خارجی، قانون صادرات و واردات کالاها و خدمات و همچنین قانون اجرای فعالیتهای اقتصادی در خارج نیز در چارچوب کل نظام بازرگانی خارجی یوگسلاوی به تصویب رسیدند. این قوانین بطور کلی متضمن اصولی است که دربرگیرنده کلیه عملیات تجاری و ارزی میباشد، اصولی که سازمان اصلی اتحادیه های کارگری و سایر اشخاص قانونی (حقوقی) یوگسلاوی به منظور تجارت با طرفهای خارجی خود مسئول اجرای آن میباشند. همانگونه که ملاحظه میشود، یوگسلاوی علیرغم تبعیت از سیاست عدم تمرکز و عدم مداخله مستقیم دولت در تجارت خارجی، با تصویب قوانین متعدد و پیچیده، اصول، ضوابط و مقررات بسیاری را به منظور اجرای صحیح و اصولی عملیات تجارت خارجی و ارزی برای دست اندکاران تجارت خارجی و بویژه سازمان اتحادیه های کارگری، وضع و مقرر داشته است. در واقع مسئولان تجارت خارجی در یوگسلاوی ضمن اعطاء آزادیهای نسبی به دست اندکاران این حرفه، آنها را ملزم به رعایت اصول و مقرراتی

(۱): Associated Labour Act.

(۲): Basic Organization of Associated Labour (BOAL).

کرده اند که تا حدودی با اصول آزادی تجارت مغایر می باشد. دولت اگرچه در تجارت خارجی مستقیماً "مداخله نمی نماید و مفهومی بنام تجارت خارجی دولتی در این کشور وجود ندارد، لکن مقررات موجود در امر تجارت خارجی بقدری گسترده، وسیع و پیچیده است که به نحوی باعث مداخله غیر مستقیم دولت حتی گاهی بیش از مداخله دولت‌های سوسیالیستی (با سیستم کاملاً متمرکز) شده است. در اینجا شمه‌ای از این قوانین و مقررات را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

یوگسلاوی در حال حاضر به سطحی از توسعه و ساختار اقتصادی دست یافته است که قادر می‌باشد تا با اکثر کشورهای جهان روابط اقتصادی و تجاری برقرار نموده و همچنین نقش فعالی در عرصه تجارت بین‌الملل ایفا نماید.

این کشور در تلاش است تا با کلیه کشورهای و مناطق جهان بر اساس اصول برابری و حفظ منافع متقابل، همکاری‌های خود را در اکثر زمینه‌ها توسعه بخشد. پیرو چنین سیاستی یوگسلاوی در حال حاضر با نزدیک به ۱۳۰ کشور جهان دارای روابط اقتصادی و تجاری می‌باشد. این حجم از تجارت بیش از $\frac{1}{4}$ تولید خالص مادی (N.M.P) این کشور را در بر می‌گیرد.

از جمله اهدافی که در تنظیم و تصویب این قوانین و مقررات مدنظر بوده است، استفاده از روش‌های نوین تجاری به منظور افزایش و گسترش روابط اقتصادی یوگسلاوی با کشورهای خارجی و همچنین فراهم نمودن امکاناتی جهت تطبیق و هماهنگ ساختن اقتصاد این کشور با شرایط پیچیده و ناپایدار بازار جهانی را می‌توان نام برد. انتقال و واگذاری حاکمیت و نقش دولت در امر تجارت خارجی (که برای مدت زیادی دامنه داشت) به اتحادیه‌های کارگری و ایجاد قدرت تصمیم‌گیری این اتحادیه‌ها در این زمینه، از دیگر مسائلی است که در نظام جدید بازرگانی خارجی یوگسلاوی کاملاً

رعایت شده است .

(۱)

این مسئله در حال حاضر از طریق معاملات اجتماعی و قراردادهای

(۲)

خودگردان و توسط اشکال متعدد روابط آزاد بر اساس اصول خودگردانی،

عملی شده است . بطوریکه هم اکنون دولت و سازمانهای تابعه ، بصورت

ابزاری در دست اتحادیه های کارگری خودگردان درآمده اند . علت و

انگیزه چشم پوشی از انحصار دولتی در بازارگانی خارجی این بود که در نظام

گذشته ، سیاستهای صادراتی و وارداتی مستقیماً "تحت نظارت وزارت

بازرگانی اجرا میشد . بدین ترتیب که وزارت بازرگانی دستورالعمل

مشروحي به مراکز بازرگانی میداد و مراکز تنها به اجرای دستورات میپرد

داختند (همچون غالب کشورهای با برنامه ریزی متمرکز) و عملاً "یک نظام

پرخرج با بازدهی پایین بوجود آمده بود . کارمندان دولت بکارگیری

شیوه های فنی و استفاده از فرصتهای اقتصادی را از نظر دور میداشتند و

کارها و تصمیمات با تاخیر انجام میگرفت ، و کندی کارها جزء خصیصه ذاتی

سیستم شده بود . از سوی دیگر ، محصولات خریداری شده جوابگوی نیازهای

خریداران نبود ، و هیچ محرکی برای توسعه صادرات و بهبود کیفیت کالاهای

صادراتی وجود نداشت . همچنین توزیع جغرافیایی مبادلات خارجی با

معیارهای عقلایی صورت نمیگرفت . بعلاوه عدم گسترش بازار صادراتی ، ارزش

لازم برای واردات تامین نمیشد . بطوریکه صادرات محصولات کشاورزی

یوگسلاوی با موانع گمرکی بازاری مشترک برخورد کرده و اثرات منفی آن تا

سالهای بعد از ۱۹۷۰ نیز همچنان باقی بود . از طرفی ، کالاهای صنعتی

صادراتی قابل رقابت در بازارهای بین المللی نبوده و صادرات عمدتاً "

از مواد اولیه و کالاهای نیمه ساخته تشکیل میشد . بعلاوه سیستم بسته

(۱): Socials Compacts .

(۲): Self-Management Agreements .

یوگسلاوی، این کشور را در یک انزوای شدید اقتصادی نگاه داشته بود.

بطور کلی بروز مشکلات فوق و نارساییهای حادی که در نظام اقتصادی و به تبع آن در سیستم بازرگانی خارجی یوگسلاوی بوجود آمده بود، مسئولان این کشور را بر آن داشت تا با یکا رگیری شیوه‌وروشهای کاملاً متفاوت (در چهارچوب نظام) راهی برای رهایی از این مشکلات بیابند. رعایت اصل عدم تمرکز در تصمیم‌گیریهای اقتصادی و استفاده از اصول خودگردانی از جمله عمده‌ترین دستاوردهای بازرگانی خارجی یوگسلاوی بوده که اثرات زیر را نیز دنبال داشته است:

۱- دستیابی مستقیم واحدهای تولیدی به بازارهای خارجی.

۲- خودمختاری و آزادی بیشتر واحدهای بازرگانی خارجی.

۳- مشکل محاسبه کارایی (Efficiency) اقتصادی بازرگانی خارجی. در این مورد باید گفت که به لحاظ حضور فعال بینگاہهای تولیدی در امر تجارت خارجی و دخالت در تصمیم‌گیریها و آزادی دیگر بعلمت رشد انگیزه‌ها و استفاده از ضوابط و معیارهای بازا و مشکل محاسبه کارایی اقتصادی که در نظام متمرکز بوجود آمده بود، در نظام جدید تا حد زیادی مرتفع گردیده است.

برطبق اصول خودگردانی، هر سازمان اتحادیه کارگری در مورد اشتغال و یا عدم اشتغال به امر تجارت خارجی صاحب اختیار می‌باشد. این سازمانها، امور مربوط به تجارت خارجی را بر اساس سیاست روابط اقتصادی خارجی، برنامه‌ها، قوانین، پیمانهای بین‌المللی، معاهدات اجتماعی و قراردادهای خودگردان انجام میدهند. سازمانهایی که در امر تجارت خارجی مشارکت دارند، باید از اعتبار خود و همچنین منافع خارجی یوگسلاوی حمایت نمایند.

برای اینکه به موسسه‌ای (enterprise) اجازه قانونی انجام

عملیات بازرگانی خارجی داده شود، تنها اقدام رسمی عبارت است از: ثبت در یک دادگاه اقتصادی ناحیه و تنها شرط لازم هم در اختیار داشتن منابع مالی کافی و نیروی انسانی مناسب برای انجام عملیات تجاری می باشد. بعلاوه این موسسات باید با تولیدکنندگان همان رشته (کالی موضوع صادرات و یا واردات) همکاری نزدیک داشته و خط مشی مشترکی را در رابطه با توزیع درآمد و تقبل زیان و تجهیز منابع و نیروی انسانی اتخاذ نمایند. این اصل مهم (همکاری نزدیک میان تولیدکننده و صادرکننده یا واردکننده) باعث می گردد تا سازمانهای تولیدی اتحادیه های کارگری بتوانند در معاملات خارجی نقش تصمیم گیرنده ای ایفا نمایند. حدود و رویه این اشتراک مساعی را قانون معین میکند. با وجودیکه موسسات تجاری از آزادی زیادی در عملیاتشان برخوردارند، لکن کنترل هایی از سوی دولت اعمال میشود، تا ذخایر ارزی ملی را حفظ کرده و در مواقع لزوم حجم صادرات و واردات را تغییر دهد. در یک جمع بندی کلی مهمترین اصولی که در قانون صادرات و واردات کالاها و خدمات، خط مشی تجارت خارجی یوگسلاوی را (از نظر زمانی) مشخص میکند، میتوان به این شرح خلاصه نمود:

۱- صادرات و واردات کالاها و خدمات در چهارچوب سیاست "روابط اقتصادی خارجی" مصوب مجلس (مجمع) جمهوری سوسیالیستی فدرال یوگسلاوی صورت میگیرد.

۲- روابط میان سازمانهای اتحادیه های کارگری و سایر سازمانهایی که به امر تجارت خارجی اشتغال دارند و تولیدکنندگان، بر اساس همکاریهای الزامی (تعهدآور) و یا تجهیز الزامی منابع و نیروی انسانی استوار می باشد.

۳- سازمان اتحادیه های کارگری، روابط متقابل و همچنین منافع خود در عملیات تجارت خارجی را در راستای "سیاست روابط خارجی" و نیز

برطبق مقررات قانونی تنظیم مینماید .

۴- سازمان اتحادیه‌های کارگری، اتاقهای اقتصادی^(۱)، اجتماعات و تشکیلات خودگردان و ارگانهای سیاسی - اجتماعی، میتوانند از طریق معاهدات اجتماعی، محدوده فعالیت خود در تجارت خارجی (در صورتیکه منافع اجتماعی بدنیال داشته باشد) گسترش دهند .

کشور یوگسلاوی با این استدلال که تلاش و ابتکار، بیشتر تابع منافع مادی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و شخصی فرد است تا متابعت از دستورات مرکزی، با ایجاد نظام خودگردان که به تعبیری جلوه‌ای از سیستم شورایی میباشد، موفق شده است که در تجارت خارجی تجارب و نتایج ثمر بخش تری نسبت به سایر کشورهای سوسیالیستی بدست آورد. بطوریکه دست یابی مستقیم واحدهای اقتصادی به بازارهای خارجی و داخلی موجب شده است که این واحدها اطلاع دقیق تری از امکانات بازارهای خسارچ و نیازهای بازار داخلی بدست آورند. استقلال نسبی این واحدها این امکان را به آنها داده است که خود را با نیازها و شرایط گوناگون تطبیق دهند. انگیزه‌های مادی و اداره امور توسط کارکنان و مشارکت در تصمیم گیری، باعث رشد خلاقیت و افزایش کارآیی آنها گردیده است. بطور خلاصه، الگوی یوگسلاوی بسیاری از نقاط ضعف الگوی استالینی (مانند رشد بوروکراسی، کندی کارها، پایین بودن کارآیی، بهانه‌دادن به ابتکار و خلاقیت، پرخرج بودن اجرا و فسادپذیری، عقب ماندگیهای تکنولوژیک و غیره) را برطرف کرده است .

سیاست بازرگانی خارجی

.....

از جمله مهمترین مشکلاتی که یوگسلاوی در بازرگانی خارجی خود،

(۱): Chambers of Economy .

طی سالیان متمادی آن مواجه می‌باشد، عدم موازنه تجاری این کشور در مقابل کشورهای غربی (مناطق ارزی قابل تبدیل) ^(۱) است. اگرچه دولت یوگسلاوی کوششهای زیادی به منظور متعادل ساختن این موازنه بخرج داده است. لکن در مقایسه با حجم تجارت خارجی این کشور و این نابرابری همچنان در سطح بالایی قرار دارد. از دلایل عمده این امر، پائین بودن سطح صادرات یوگسلاوی به این کشورها را میتوان مؤثر دانست. بدنبال تغییرات زیادی که در نظام تجارت خارجی یوگسلاوی طی سالیان اخیر صورت گرفته (تصویب قوانین و مقررات جدید)، این کشور در نظر صادرات با تجهیز امکانات بالقوه خود، اقدام به افزایش سطح صادرات کالاهایی بنماید که یوگسلاوی در آنها از مزیت نسبی برخوردار بوده و امکان رقابت آنها نیز در بازارهای بین-المللی برای این کشور وجود دارد. از سوی دیگر از عمده ترین عوامل محدود کننده ترازپرداختهای یوگسلاوی، کمبود ارز خارجی میباشد. بدین منظور در قانون جدید صادرات و واردات کالاها و خدمات و مقررات مربوطه، راه - حل‌هایی انتقالی جهت قابل تبدیل ساختن دینار و همچنین دستیابی به یک تعادل پایدار در ترازپرداختهای کشور پیش بینی شده است.

در نظام بزرگانی خارجی و سیستم ارزی یوگسلاوی، ارتباط و وابستگی متقابلی بین پرداختهای خارجی و همچنین رژیم کالایی (Commodity regime) این کشور وجود دارد. بدین صورت که در رژیم کالایی که تاکنون صرفاً "حمایت از تولیدات داخلی مدنظر بوده است، در دوره انتقال، حفظ موازنه در ترازپرداختها نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. در واقع حجم واردات کالاها و خدمات از خارج باید با حجم صادرات کلیه سازمانهای اقتصادی یوگسلاوی متعادل گردد. در دوره انتقال، تا

(۱): Convertible Areas.

(۱) قبل از قابل تبدیل شدن دینار، واردات آزاد نقش بسیار مهمی ایفا خواهد کرد. در مقررات گذشته، واردات از بازار ارزهای قابل تبدیل وابستگی زیادی به صادرات به این کشورها داشت، در حالی که امروزه، واردات نه تنها به صادرات بستگی ندارد، بلکه واردات مواد خام و کالاهای واسطه‌ای و همچنین خدمات از نواحی ارزی قابل تبدیل، جداگانه و براساس نیازهای هریک از سازمانهای اقتصادی محاسبه و تعیین میگردد. در واقع نیازهای وارداتی این سازمانها، براساس کاهش و یا افزایش صادرات یکسال قبل آنها مشخص میشود. هرگونه افزایشی در صادرات، از دیدار خارجی قابل دسترس جهت پرداختهای خارجی را دنبال دارد. از این رو است که سطح واردات اینگونه کالاهای، در چهارچوب نسبتهای معین در ترازپرداختها و بدون هیچگونه محدودیت اداری، بطور پایداری حفظ میگردد.

(۱) میزان واردات مواد خام و واسطه‌ای از طریق سهمیه بندی توسط شورای اجرایی فدرال تعیین میشود. از طرفی ارزش واردات کلیه کالاهای سهمیه بندی شده نباید از میزانیکه در ترازپرداختها تعیین شده تجاوز نماید. در واقع حجم واردات اینگونه کالاهای باید با حجم صادرات یکسال قبل همان کالاهای متعادل گردد. واردات کالاهای سرمایه‌ای سهمیه بندی شده از نواحی ارزی قابل تبدیل ثابت میباشد. بطور مثال، در سال ۱۹۸۶ سهمیه واردات این کالاهای برای هریک از سازمانهای اتحادیه‌های کارگری بدین صورت محاسبه شده بود: ۳۱ درصد برای استهلاک ماشین آلات در سال گذشته و ۷ درصد برای صادرات سازمانهای فوق به نواحی ارزی قابل تبدیل (طی یکسال گذشته). جمع این دونسبت (۳۸ درصد) سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای یوگسلاوی را از نواحی ارزی قابل تبدیل در سال ۱۹۸۶ تشکیل میداده است.

(۱): توضیحات بیشتر در صفحات بعد خواهد آمد.

محاسبه حجم واردات کالاها، مصرفی براساس آنچه که در تراز
پسرداختها مشخص شده صورت میگیرد و از طرفی اتاق اقتصاد یوگسلاوی
ترکیب این گونه کالاها را معین میکند.

از جمله ابتکارات و نوآوریهای قانون جدید صادرات و واردات
کالاها و خدمات نسبت به قانون سابق این است که واردات براساس معاملات
تجارتی نیز در رژیم کالایی منظور شده است. سازمانهای داخلی متعددی
میتوانند براساس معاملات پایا پای (هم صادرات و هم واردات) با شرکتهای
خارجی همکاری نمایند. این نوع از معاملات خارجی در حال حاضر برای
کشورهایی که در پرداختهای خارجی خود (به ارزهای قابل تبدیل) و همچنین
در زمینه بازرگانی بدهیهای خارجی با مشکلات و محدودیتهایی مواجه
میشوند، جهت حفظ سطح موجودی افزایش حجم تجاری، اهمیت ویژه‌ای
پیدا کرده است.

یوگسلاوی نیز دقیقاً "بنا بر همین استدلال مجبور به پذیرش این
نوع از معاملات تجاری شده است. در تدوین قانون جدید صادرات و واردات
کالاها و خدمات، به موازات اهداف برنامه میان مدت توسعه یوگسلاوی،
مسافلی نظیر: آزادسازی تدریجی واردات، دستیابی به تعادل در تجارت
خارجی، کاهش بدهیهای خارجی و افزایش ارزش خارجی برای پرداختهای
وارداتی، منظور نظر بوده است. آزادسازی تدریجی واردات تنها از طریق
کاهش نقش رژیم کالایی بعنوان ابزار محدودکننده تراز پرداختها، امکان
پذیر مییابد، به نحوی که با افزایش تعداد ارزهای کالاهای آزاد شده وارداتی
و همچنین با قابل تبدیل شدن دینا بعنوان یک ارز معتبر بین المللی،
محدودیتهای تراز پرداختها در رژیم کالایی، یکلی برطرف خواهد شد.